

توهین بزرگ به پیامبران الهی

(س) بود ، جمله است غلط و این میرساند که زبان این گوینده شهرت طلب از گفتن «عوشیار» ترین پیامبران که محمد (س) بود ، ناتوان است ، و در جواب این «شاعر نامه» چیزی نباید گفت بلکه فقط باید گفت اگر کمترین اطلاعاتی از قرآن می داشت و با ادبیات عرب مختصر آشنائی پیدا کرده بود ، بخوبی میدانست که احسن قرآن کمترین شیاعنی با هیچ نوع شعر نداشته و ندارد .

اما حضرت انکهز آتست که مجلات و روزنامه های يك کشور اسلامی با افراد بیماری چون این شاعر قلابی سماحیه میکنند و بنده هر چه آنها میگویند عکس میسازد .

نظر صاحب این سماحیه شرم آور توهین بردگی به ساحت مقدس قرآن و پیامبر بزرگ اسلام محمد (س) خاتم النبیین است و از آن گذشته این امکان هست که دیوانگانی مثل این شاعر ازین حال و بهر این شاعر قلابی را بگیرند و سرانجام امام یا یقین بر دوین دیگری ظهور کند . کشور اسلامی ما ایران تا بحال لطافت بسیاری از این مدعیان خورده است و سیاستهای استعماری از دیوانگان شهرت طلب برای اختراع مذاهب جدید و ایجاد تفرقه میان ملت مسلمان ایران استفاده های فراوان کرده اند .

سالهاست عده ای از شاعر نامه ها که اغلب دچار بیماریهای روانی هستند شعر اسرود ایران را به بیراهه کشانده و چون از سرودن اشعار با ارزش عاجزند خزعلاتی بنام شعر تحول مردم میدهند و چون دیدند که با گفتن این مهمل با فوهای بر سر و ته نمیتوانند شهرتی بیست آورند راه دیگری را پیش گرفته اند که با بهره چه زودتر از ادامه آن سلو گوری شود .

اخیراً در مجله فردوسی که گردانندگان آن ادعا دارند هدف خاصی را تعقیب میکنند متن سماحیه ای با یک شاعر نوپرداز از همان قماش با نام «یدانه رویالی» چاپ شده است این شاعر در قسمتی از سماحیه خود میگوید:

«بله پیامبران ، عوشیار تریشان که محمد بود شاعریش را الکترا میسکورد ، فکر درستی هم بود چون میان آن همه شاعران قلابی دیگر لازم بود هنر کلامیش را چیزی مافوق شعر بداند تا در سطح آن همه قدرت زبانی و رقابت شعری که بین شاعران ساحر مکه مطرح بودند نشیند حق هم بود و اینهمه سلام و مساوات برای چنان فاسد است» (۱)

البته حتی آن کودک دبستانی هم پس از خواندن سطر اول این جمله هائی میبرد که گوینده چنین گفتاری ، از زبان فارسی بی اطلاع است و جمله «بله پیامبران عوشیار تریشان که محمد